



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۰۷/۱۹
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۱۱
صص: ۳۱۱-۲۷۵

شاپا چاپی: ۰۸۷-۵۰۲۵-۱۰
الکترونیکی: ۴۹۷۱-۴۶۵۴



DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.127.9.2

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران
ahmadsaberimajd@gmail.com

۲. دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

۳. دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

مقایسه محورهای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی مصوب ۱۹۴۸ با اندیشه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

احمد صابری مجد^۱ | فرزانه کرمی^۲ | مهدی میری^۳

چکیده

بی‌تردید جنایت بین‌المللی نسل‌زدایی در تمام دوره‌های تاریخ خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته است. قرارداد بین‌المللی جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) در تاریخ هفدهم آذر ماه یک هزار و سیصد و بیست و هشت مطابق ۹ دسامبر ۱۹۴۸ تدوین گردید. با توجه به تفاوت مبانی رهیافت شده غربی در تدوین این کنوانسیون با مبانی اسلام، نوشتار حاضر محورها و خلأهای «کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی» را از جمله عدم حمایت از همه گروه‌های قربانی نسل‌زدایی را بررسی نموده، سپس ساز و کار محاکمه و مجازات مرتکبین نسل‌کشی را مورد ارزیابی قرار داده است و با بهره‌گیری از اندیشه‌های ناب مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به تبیین مبانی اسلام و مقایسه آن با محورهای مورد چالش کنوانسیون پرداخته است. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی چنین بدست آورد که نسل‌زدایی در دکترین کرامت‌مدار مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به انسان، تفسیری موسع داشته و شامل نسل‌زدایی فرهنگی نیز است. عدم پیش‌بینی مناسب ضمانت اجرا موجب شده است که جنبه‌های مهم این سند، بی‌فایده انگاشته شود و عملاً به سندی صوری مبدل گردد. برآیند تحلیل گفتمان و دکترین امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در مبارزه با نسل‌زدایی این است که مطالبه‌گری دولت‌ها و مصلحان بشری، راهکاری شایسته و قابل اجرا است که محکومیت و تحت تعقیب قرار دادن دولت‌های زورگویی مرتکب به عمل شنیع نسل‌زدایی را تضمین می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی، نسل‌کشی فیزیکی، رویکرد کرامت‌مدار مقام معظم رهبری، ژنوساید فرهنگی، مجازات مرتکبین نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت

مقدمه

نسل‌زدایی را می‌توان یکی از پدیده‌های شنیع بین‌المللی به حساب آورد که با نیت از بین بردن دسته‌ای از یک قوم، نژاد یا مذهب صورت پذیرد (Sarkin & Fowler, 2008, pp. 331-333). در حقوق بین‌الملل نسل‌کشی سابقه‌ای دیرینه‌ای دارد و بارها در طول تاریخ رخ داده است. از نمونه‌های چنین جنایتی در جنگ جهانی دوم و پیش از آن، می‌توان به قتل عام مردم ارمنه در سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۶ (کاسسه، ۲۲۲/۱۳۷۰) و قتل عام مردم اکراین در ۱۹۳۲-۱۹۳۳ (Marcus, 2003, pp. 245 and 252) نام برد. به دنبال کشتار انبوه مردم غیر نظامی در خلال جنگ جهانی دوم، کنوانسیون منع نسل‌زدایی در دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید و در ژانویه ۱۹۵۱ مفاد آن لازم الاجرا گردید. اگرچه تصویب این کنوانسیون بسیار با اهمیت بود، ولی موجب نشد که نسل‌کشی متوقف گردد، بلکه موارد دیگری نیز رخ داد. از جمله نسل‌کشی به مدت چهار دهه مسلمانان میانمار از سال ۱۹۶۲، همچنین نسل‌کشی در کامبوج در خلال سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۹ و همچنین قتل عام مسلمانان بوسنی و هرزگوین در سال ۱۹۹۳ مثال زد (Magnarlia, 2005, p. 801). در شروع قرن ۲۱ نیز چنین جرمی اتفاق افتاده و دیوان کیفری بین‌المللی، رئیس جمهور سودان را به همراه تعدادی از سران و فرمانده‌های این کشور را به جرم نسل‌کشی متهم نمود و در قرار جلب آن‌ها در ژوئیه ۲۰۱۰ صادر گردید (Milanovic, 2008, p.2). نسل‌کشی از منظر حقوق بین‌الملل، از قواعد آمره به حساب می‌آید و بر این اساس در وضع مسئولیت کیفری فردی و بین‌المللی دولت‌ها را قابل پیگیری قلمداد کرده است. با این وجود و با توجه به سیاست‌های جنایی در حوزه وضع قوانین کیفری و رسیدگی و اعمال آن وضع قوانین بین‌المللی هنوز نتوانسته است موجب جلوگیری از تحقق وقایع نسل‌کشی گردد. از نمونه‌های بارز کوتاهی و ناتوانی سازمان‌های بین‌المللی نمود چنین رویداد ناگوار نسل‌کشی در بالکان در اواخر قرن ۲۱ است (Report of international Law, 1996. p. 28). لذا با وجود چنین اتفاقاتی از این دست پرسش‌های را در مورد سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل‌کشی مورد مطالعه قرار داد. از جمله این موارد می‌توان به مطالعه مهمترین سند حقوقی که کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی است اشاره نمود. این کنوانسیون به ابتکار سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید. از آنجا که نسل‌زدایی از جمله جرائمی است که شرایط و نوع قربانیان و اثبات آن از پیچیدگی‌های فراوانی

برخوردار است، دادگاه‌های کیفری به سهولت نمی‌توانند چنین جنایتی را محکوم کنند. یکی از ابعاد پیچیده و قابل مطالعه نسل‌زدایی که در کنوانسیون به آن اشاره شده است، شناسایی گروه‌ها و قربانیان مورد حمایت است. مسئله مورد چالش، شمولیت این ماده نسبت به گروه‌های مورد حمایت می‌باشد. در این ماده چهار گروه ملی، قومی، نژادی و دینی مورد حمایت قرار گرفته‌اند و گروه فرهنگی مورد حمایت قرار نگرفته است. یکی دیگر از محورهای بسیار مهم که در کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، مورد چالش واقع شده است نقصان در فرآیند ضمانت اجرای کیفری و مجازات جانیان نسل‌کشی است. عدم پیش‌بینی مناسب ضمانت اجرای این جرم، موجب شده است که جرم انگاری و جنبه‌های مهم این سند نادیده گرفته و بی‌فایده انگاشته شود که در برابر نسل‌زدایی‌های فراوان دولت‌های مستکبری همچون آمریکای جهان‌خوار و رژیم جعلی صهیونیسم عملاً به سندی صوری تبدیل گشته است. با توجه به ناکارآمدی ساز و کارهایی که بر اساس ماده ۶ کنوانسیون ممنوعیت مجازات نسل‌زدایی با آن مواجه است، این سند نیازمند به بررسی و حل چالش‌های بنیادین آن است. این نوشتار با توجه به تفاوت مبانی رهیافت‌های تفکر غربی در تدوین این کنوانسیون با مبانی اسلام، محورها و خلأهای «کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی» را مورد ارزیابی قرار داده، سپس با بهره‌گیری از اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و توجه به دکترین و گفتمان معظم له به عنوان امام امت اسلامی و فقیه جامع‌الشرایط به بررسی چالش‌های پیش روی پرداخته و بر اساس تحلیل گفتمانی حضرت امام خامنه‌ای (دامت برکاته) به عنوان صاحب نظری ژرف اندیش در مکتب سیاسی اهل بیت (ع) به ارائه راهکار و برطرف نمودن خلأهای سند کنوانسیون نسل‌زدایی می‌پردازد.

پیشینه

در سال ۱۴۰۰ پژوهشی با عنوان «مجازات جرم نسل‌کشی از منظر فقه و نظام بین‌المللی کیفری» در مجله فقه و تاریخ تمدن منتشر شده است. در این پژوهش به سابقه تاریخی جرم انگاری نسل‌کشی در اسلام اشاره دارد و به تفاوت‌های سابقه جرم انگاری نسل‌کشی در اسلام و دیوان بین‌المللی کیفری می‌پردازد و در نهایت به بررسی تفاوت در مجازات این دو نظام حقوقی اشاره دارد (بهلولی و همکاران، ۱۴۰۰). حال نوشتار حاضر با توجه به رویکرد به تحلیل مبانی دو نظام

حقوق کیفری بین‌الملل و نظام کیفری اسلام، به مقایسه دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با محورها و خلأهای «کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی» را از جمله عدم حمایت از همه گروه‌هایی که قربانی نسل‌زدایی واقع شده پرداخته و ساز و کار محاکمه و مجازات مرتکبین به نسل‌کشی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، تا با توجه رویکرد مقایسه‌ای بتواند چالش‌های قابل طرح کنوانسیون را مورد بررسی نماید.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیل محتوا و روش آن گردآوری اطلاعات و به صورت کتابخانه‌ای است؛ شیوه این تحقیق به گونه نظری در بین مطالعات بنیادی قرار داد. بر اساس سوال اصلی در این پژوهش، داده‌های آن ابتدا با جست و جوی کلیدواژگان آن در پایگاه‌های اسنادی داخلی و خارجی در بین کتابها و مقالات علمی صورت پذیرفت، سپس هریک از آنها به طور منطقی تنظیم و سپس بررسی گردید. در نوشتار حاضر با هدف دستیابی به مقایسه محورهای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی با اندیشه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، پایگاه‌های اطلاعات PubMed, Scopus، نور مگز، ایرانداک، کتابخانه ملی را بررسی و همه دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در رابطه با نسل‌زدایی به صورت مکتوب یا سخنرانی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱ برای دستیابی به منظومه فکری معظم له مورد بررسی قرار گرفت.

مفهوم‌شناسی اصطلاحات

در این بخش به تبیین دقیق مفهوم نسل‌زدایی پرداخته و آن را با توجه به مفاهیم متناظر نسل‌زدایی معنا نموده تا به فهم صحیحی از نسل‌زدایی دست یافته شود.

مفهوم نسل‌زدایی

نسل‌زدایی یا ژنوساید

کلمه‌ای یونانی است که از دو واژه Genos به معنای قوم، نژاد و cide به معنای کشتار ساخت یافته است. مصطلح نسل‌زدایی نخستین بار توسط رافائل لمکین حقوق‌دان لهستانی در سال ۱۹۴۴ در شرح جنایات آلمان نازی به کار گرفته شد (Lemkin, 1947, p.35). از نظر ایشان تعریف

نسل‌زدایی عبارت است: «طراحی برنامه ریزی شده مجموعه از اعمال و اقداماتی که هدف آن از ریشه کن کردن بنیان‌های یک دسته ملی برای نابودن سازی خود آن دسته و گروه است. نابود سازی پایه‌های اجتماعی، سیاسی، زبانی و فرهنگی یا احساسات مذهبی و ملی یا اقتصادی که در نتیجه موجب سلب آزادی، امنیت، کرامت، سلامت آن گروه یا افراد آن گروه می‌شود» (Lemkin, 1947, p.79). چنین تعریفی از نسل‌زدایی را می‌توان تعریفی جامع به حساب آورد که شامل نسل‌کشی فیزیکی و فرهنگی می‌شود (Schabas, 2009, p.32). جرم نسل‌زدایی در ابتدا به عنوان جرمی مستقل مطرح نشده بود، تا آنکه در ماده ۶ منشور دیوان بین‌المللی نظامی نورنبرگ و ماده ۲ قانون شماره ۱۰ شورای نظارت تحت عنوان جرائم علیه بشریت مطرح گردید. (کاسسه، ۱۱۵/۱۳۸۷). در کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی مصوب ۱۹۴۸، نخستین تعریف کامل و فراگیر از جرم نسل‌زدایی مطرح گردید: «نسل‌زدایی یعنی قصد خاص نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه خاص (ملی، قومی، نژادی، مذهبی) در قتل اعضای یک گروه، ورود آسیب شدید نسبت به سلامتی جسمی یا روانی اعضای گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامطلوب که منتهی به زوال جسمی کلی یا جزئی آن بشود، انجام اقداماتی به منظور ممانعت از تولد و تناسل از یک گروه و انتقال اجباری اطفال از یک گروه به گروه دیگر است.» که این تعریف در سایر اسناد بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار گرفت. برای نمونه می‌توان به ماده ۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا اشاره نمود که دقیقاً مواد ۲ و ۳ کنوانسیون را آورده است (Kantonen, 2006, p.20).

تعریفی که در کنوانسیون ممنوعیت نسل‌زدایی انجام داده است این نکته در آن حائز اهمیت بوده که دیوان بین‌المللی دادگستری اصول و تعریف بیان شده در این کنوانسیون را از طرف همه ملل به عنوان اصلی الزام آور و پذیرفته شده قلمداد می‌کند به گونه‌ای که دولت‌هایی که این کنوانسیون را به گونه معاهده قبول نکرده‌اند نیز ملزم به پذیرش آن بر می‌شمرد. چرا که به تصریح دیوان، مبنای چنین مفهومی از نسل‌زدایی یک مفهوم عرفی و مورد پذیرش حقوق بین‌الملل عرفی دانسته می‌شود (I.C.J, 1951, p. 23).

نویسندگان حقوق بین‌المللی معتقدند که تعریف واحد از جرم نسل‌زدایی می‌تواند نظر همه دولت‌های متعدد را در برخورد و مقابله با جرم نسل‌زدایی یاری نماید تا با توجه به تعریف مشترک

و توافق بر آن اقدامات مشترکی در برخورد با آن صورت پذیرد. چرا که میان واقعیت نسل‌زدایی و ارائه تعریف با آن دقت‌هایی می‌طلبد که تعریف و مفهوم دقیق نسل‌زدایی بتواند عمل ضد بشری و ضد اجتماعی را در قالب یک سند قانونی که ضمانت اجرای حقوقی داشته باشد ارائه داد (Andreopoulos, 1997, p.31). یکی از سند‌های تاریخی که می‌تواند در رابطه با نسل‌زدایی برای درک درست مفهوم نسل‌زدایی استفاده کرد، آیه ۲۰۵ سوره بقره است که با عبارت «یهلک الحرث و النسل»^۱ بیان شده است. در این آیه به وقوع اعمالی اشاره می‌شود که تنها برای از بین بردن اموال و کشتن انسان‌ها نیست، بلکه برای ریشه کن کردن و نابودی نسل انسان و ریشه‌های حیات که همان تولیدات و محصولات زراعی است. بنابراین چنین رهیافت می‌شود که نسل‌زدایی صرفاً برای قصد تخریب و کشتن نیست، بلکه نابودی و ریشه کن کردن دسته‌ای خاص از انسان‌ها و تمدن آن‌هاست. چنین برداشتی از این سند تاریخی همگام با تعریف متداول از جرم نسل‌زدایی در گفتار حقوق‌دانان بین‌المللی است. به این بیان که این جرم علاوه بر رفتارهای مجرمانه قصد آن نابودی و ریشه کن کردن نسل است.

تفاوت مفهوم نسل‌زدایی با جنایت علیه بشریت

در گذشته تمایز در جنایات علیه بشریت با نسل‌زدایی را در این می‌دانستند که جنایات علیه بشریت فقط در مخاصمات مسلحانه در یک جامعه رخ می‌دهد، ولی نسل‌زدایی می‌تواند در زمان صلح و یا در زمان جنگ رخ دهد. در حالی که امروزه چنین تفاوتی بین جنایات علیه بشریت و نسل‌زدایی اهمیتی ندارد و این موارد مصداقی از جنایت است چه در زمان صلح چه در زمان جنگ باشد. (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

آنچه نسل‌زدایی را از جنایت علیه بشریت متمایز می‌کند این است که نسل‌زدایی باید به قصد خاص، خواه کشتن یا به صورت دیگری از چهار اقدام تعریف شده در ماده ۶ کنوانسیون انجام بگیرد. قصد خاص از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه مذهبی، نژادی، قومی، ملی یا مشابه آن باشد. در صورتی که قصد خاص ناظر به از بین بردن تمام یا بخشی از گروه احراز نشود، تعقیب با عنوان دیگری مانند جنایات علیه بشریت تحت تعقیب قرار گیرد. (شبث، ۱۳۸۵: ۴۸) مرتکب

۱. بقره: ۲۰۵

جنایت علیه بشریت الزاماً به قصد نابودی گروه نیست. (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۲: ۱۰). همچنین این نکته را باید در نظر گرفت در جایی که تنها بخشی از یک گروه از بین می‌رود، این بخش باید از نظر کمی، بخش قابل توجهی باشد.

بررسی و مقایسه مبانی فقهی و مبنا کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی

شناخت مبانی فقهی نسل‌کشی و مبنا قانون‌گذاری کنوانسیون منع نسل‌زدایی در این بخش به دقت نظرهایی می‌انجامد که اشتراکات و تفاوت‌های مبانی این دو دیدگاه را بیان می‌سازد. همچنین ارزیابی مبانی فقهی نسل‌زدایی در روشن نمودن دیدگاه ژرف فقهی امام خامنه‌ای (دامت برکاته) در دکترا و گفتمان معظم له (مد ظله العالی) در مبارزه با نسل‌زدایی نیاز به بررسی است.

ارزیابی مبانی فقهی حرمت نسل‌زدایی

در عرصه جرم نسل‌زدایی در سطح حقوق بین‌الملل، فقه شیعه دارای مبانی و پایه جرم‌انگاری نسل‌زدایی است. در زمان پیامبر (ص) هنگامی که مفهوم حکومت و جامعه سیاسی مسلمانان شکل می‌گیرد، با توجه به روابط مسلمانان با حکومت‌ها و قبایل دیگر، مقرراتی که در رابطه با حقوق بین‌الملل لازم بوده، به وسیله وحی به پیامبر (ص) اعلام می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۹۳-۹۴). لذا سرچشمه پیدایش مرحله قانون‌گذاری و ترسیم مبانی حقوق بین‌الملل به قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) باز می‌گردد.

نسل‌زدایی به عنوان یک قتل گروهی که از قتل یک فرد فجیع‌تر و شنیع‌تر به حساب آمده، مورد توجه فقه شیعه قرار گرفته است و بر اساس آیات و روایات بسیاری که در این باب وجود دارد راه جرم‌انگاری نسل‌زدایی را می‌توان از آن‌ها رهیافت نمود. لذا به ارزیابی مستندات که بیانگر حرمت نسل‌زدایی است اشاره می‌شود.

بررسی مستندات قرآنی

در این بخش مستندات فقهی نسل‌زدایی در آیات قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگرچه در آیات الهی مصادیق نسل‌زدایی مطرح گردیده است، ولی از هریک از این مصادیق حکمی کلی در حرمت نسل‌زدایی مطرح گردیده است.

الف. نسل‌زدایی اصحاب اُحدود

«مرگ بر آدم‌سوزان خندق (۴)، همان آتش مایه دار [و انبوه] (۵) آن‌گاه که آنان بالای آن [خندق به تماشا] نشسته بودند (۶) و خود بر آنچه بر [سر] مؤمنان می‌آوردند گواه بودند (۷)» (بروج: ۴-۷)

این آیات به داستان اُحدود اشاره می‌کند. کلمه "اُحدود" به معنای شکاف بزرگ زمین است (بانوی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۸۱/۱۵) مفسران و مورخان در اینکه "اصحاب اُحدود" چه کسانی بودند، نظرات مختلفی دارند. قدر مسلم این است که افراد ستمگری بودند که زمین را می‌شکافتند و آن را پر از آتش کرده، مؤمنین را به جرم اینکه ایمان و اعتقادشان در آن می‌انداختند و تا آخرین نفرشان را می‌سوزاندند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۱۶/۲۰).

برای اشاره به عظمت امر آن آتش و شدت اشتعال و فروختگی نار به وصف "وقود" توصیف شده است. خود ستمکاران پیرامون آتش نشسته بودند تا سوخته شدن گروه فراوانی از مؤمنین را نظاره کنند که این نشان از نهایت قساوت آن‌ها بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱۰/۱۰). سپس بیان می‌شود که نفرشان از مؤمنین و سبب جنایتشان فقط برای این بود که به خدا ایمان داشتند و به خاطر داشتن عقیده، کل نسل آن‌ها را نابود و ریشه کن کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۳۵-۳۳۶). خداوند در این آیه که ستمگرانی را که گروهی را از ریشه و اساس به دلیل اعتقادشان، وعده سخت عذاب دوزخ را مطرح می‌کند. بنابراین این آیات از سوره بروج در محکومیت نسل‌زدایی دلالت دارد.

ب. نسل‌زدایی و اسراف در قتل

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء/۳۳) «و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ویش سلطه (حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکنند، چرا که او مورد حمایت است».

برخی مسئله اسراف در قتل را ناظر به سنت عصر جاهلیت دانسته‌اند که در برابر کشته شدن یک نفر از یک گروه یا قبیله، افراد بی‌گناه و بی‌دفاع دیگری غیر از قاتل را به قتل می‌رسانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰۸/۱۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۳۶/۲۰)

در وصایای امیر مؤمنان علی (ع) آمده است که فرمودند: «ای فرزندان عبدالمطلب! مبدا بعد از شهادت من در خون مسلمانان غوطه‌ور شوید و بگوئید امیر مؤمنان کشته شد و به بهانه آن، خون‌هایی بریزید، آگاه باشید تنها قاتل من کشته خواهد شد...». (نهج البلاغه بخش نامه‌ها شماره ۴۷).

ج. نسل‌زدایی و تعدی در قتل

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰) «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد»

در این آیه که خداوند متعال از تعدی از کشتن نهی کرده است و می‌فرماید: «وَلَا تَعْتَدُوا»؛ «از حد تجاوز نکنید» چرا که خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد، این بدان معناست که نسل‌کشی به عنوان شدیدترین مصداق تعدی در کشتار مورد نهی شارع بوده است و آن را از باب تعدی از قتل دانسته است.

بر اساس آنچه که در نهج البلاغه آمده امام علی (ع) به لشکریانش، قبل از شروع جنگ صفین فرمودند: «با آن‌ها نجنگید تا جنگ را آغاز کنند، چه اینکه برای حقانیت خود دارای حجت و دلیل هستید و واگذاشتن آن‌ها تا نبرد را آغاز کنند، حجت دیگری است به سود شما و بر زیان آنان، آن گاه که به اذن خدا آنان را شکست دادید، فراریان را نکشید و بر ناتوانان‌ها ضربه نزنید و مجروحان را به قتل نرسانید و با اذیت و آزار، زنان را به هیجان نیاورید، هر چند به شما دشنام دهند و به سران‌تان ناسزا گویند.» (نهج البلاغه، شماره ۱۴ از بخش نامه‌ها). صاحب تفسیر المیزان بر این باور است که حرمت گسترش جنگ و کشتار غیر جنگجویان و نظامیان دشمن از نظر موضوع از این آیه خارج است، به دیگر سخن این آیه به حمایت از زنان و کودکان و پیران پرداخته و حکم قتال و جهاد شامل این موارد نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۶۰).

بر این اساس چنین می‌توان دریافت کرد که باید در مسائل نظامی میان نظامیان و غیر نظامیان تفکیک قائل بود که این تفکیک یک مبنای بسیار مهمی برای مبارزه با نسل‌کشی است. در آموزه‌های دینی و مبتنی بر فقه میزان بسیار دقیقی مطرح شده است و بناگذاری اصل اولیه در

جنگ است. از آنجایی که در مورد نسل‌کشی، زنان و کودکان از قربانیان بارز این نسل‌کشی هستند بر اساس منابع فقهی چنین تفکیکی قائل شده است. (نجفی، ۱۴۰۴: ۷۳/۲۱-۷۴)

لذا آیه فوق حداقل به سه اصل از اصول اساسی حقوق بین‌المللی بشر دوستانه اشاره دارد: ۱. اصل تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان؛ چرا که کشتن غیر نظامیان تجاوز است. ۲. اصل تناسب؛ جنگ به اندازه‌ای باشد که موجب دفع تجاوز گردد و بیشتر از آن تجاوز است. آیه الله مکارم می‌فرماید: «علاوه بر حرمت کشتن جنگ به غیر نظامیان، تعدی به باغستان‌ها، گیاهان و زراعتها و نیز استفاده از مواد سمی برای زهر آلود کردن آب‌های آشامیدنی دشمن یعنی جنگ شیمیایی و میکروبی جایز نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹/۲-۲۰). ۳. اصل ضرورت؛ تا جنگ ضرورت پیدا نکرده جنگیدن تجاوز بوده و طبق این آیه ممنوع و حرام است.

در نسل‌زدایی، کشتن انسان‌ها بدون رعایت موارد اصولی که بیان شده، امری غیر متناسب و بدون ضرورت است که توسط اسلام ممنوع شده است. از مفاهیمی که از آیه برداشت می‌شود، ممنوعیت نسل‌زدایی است که به موجب آن کشتار بیش از حد ضرورت صورت می‌پذیرد. از مصادیق این نسل‌زدایی می‌توان استفاده از تسلیحاتی را نام برد که بدون تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان موجب نابودی آن‌ها می‌گردد (قاسمی و رجانی، ۱۳۹۷: ۴۱).

د. نسل‌زدایی و کشتن به ناحق

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء/۳۳) «و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز به حق».

قرآن کریم از کشتن انسان به ناحق نهی فرموده است و به طریق اولی نسل‌زدایی که کشتار دسته جمعی انسان‌های فراوانی است به طریق اولی مصداق مسلمی از حرام بودن و کشتن به ناحق است. احترام خون انسان‌ها و حرمت قتل نفس از مسائلی است که همه شرایع آسمانی و قوانین بشری بر آن اتفاق نظر دارند؛ ولی اسلام اهمیت بیشتری به آن داده است تا آنجا که مجازات خلود در آتش که مخصوص کفار است برای قاتل تعیین شده که ممکن است این تعبیر دلیل آن باشد که افرادی که دستشان به خون ناحق آلوده می‌شود با ایمان از دنیا نخواهند رفت. «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَعَزَاوُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا (نساء/۹۳). نه تنها قتل نفس بلکه کمترین و کوچکترین آزار یک انسان از نظر اسلام مجازات دارد و می‌توان با اطمینان گفت این میزان احترامی که اسلام برای

خون و جان و حیثیت انسان قائل شده است در هیچ آئینی وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۱۰۶).

هـ. نهی از هلاکت نسل و افساد در زمین

«وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (۲۰۵/ بقره) «کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصل خلق به باد فنا دهد و نسل (بشر) را قطع کند؛ و خدا فساد را دوست ندارد».

آنچه که از این آیه دریافت می‌شود، این است که قرآن چهره ستمگران را که برای رسیدن به مقاصد خود به اقدامات ضد انسانی و ضد بشری متوسل می‌شوند را با تعبیر هلاک کردن حیات انسانی و نباتی یاد می‌کند. در این آیه سخن از افساد و فساد کردن است که به معنای نابودی انسان به کار می‌رود که بارزترین آن را نسل‌زدایی می‌توان دانست. این نابودی می‌تواند از مجموعه روش‌ها و سیاست‌هایی برای ریشه کن کردن نسل بشری باشد. قرآن در وصف چنین جنایت‌کاران تاریخ از تعبیر «نابود کردن نسل» به کار می‌برد که آن را می‌توان زشت‌ترین جنایت‌های بشری نام برد. قرآن کریم در این آیه با رویکردی تاریخی، نسل‌کشی را محکوم و به عنوان پلیدترین جنایت مطرح می‌نماید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۴/۲۶۷).

بررسی مستندات روایی

دومین مستند در حرمت نسل‌زدایی، روایات این باب است که سه روایت منع کشتن غیر نظامیان، منع به کارگیری سم، منع ریختن خون به ناحق را می‌توان اشاره کرد که این روایات مورد بررسی قرار گرفته و حرمت نسل‌زدایی از آن استفاده می‌گردد.

الف. روایت منع کشتن غیر نظامیان

در روایت آمده است که رسول اکرم (ص) وقتی سپاه اسلام را به جنگ می‌فرستاد آن‌ها را در حضور خود می‌نشانید و می‌فرمود: «با نام خدا و با توکل به خدا و در راه خدا جهاد کنید، سخت‌گیری یا زیاده روی نکنید، مثله نکنید، حيله نکنید، پیرمردان، کودکان و زنان را نکشید، درختان را قطع نکنید» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۵۸).

روایت فوق دلالت بر این دارد که این نوع کارها در جنگ ممنوع است. این کارها مصداقی از نسل‌زدایی به حساب آمده که پیامبر (ص) از آن بر حذر داشته است. لذا چنین جنایاتی که در آن همه افراد و گروه‌ها مورد حمله قرار می‌گیرند، ممنوع می‌باشد و صرفاً جنگ با افرادی واجب است که به مقاتله با شما برخاستن.

ب. روایت منع به کارگیری سم

پیامبر (ص) می‌فرماید: از پاشیدن سم در سرزمین مشرکین منع (نهی) نموده است (عاملی، ۱۴۰۹: ۶۲/۱۵). براساس این روایت و روایات مشابه آن، بسیاری از فقها پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته‌اند که صرف استفاده چنین مواردی که می‌تواند موجب کشتار جمعی و نسل‌زدایی گروه و دسته‌ای شود به طور مطلق (چه در حال جنگ با مشرکان و چه در غیر جنگ) مورد نهی فقها قرار گرفته است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۳؛ حلی، ۱۴۱۰: ۷/۲). آیت الله محمد صدر، افزون بر فتوا به حرمت مسموم کردن مناطق و بلاد مشرکان، یک قدم پا را فراتر نهاده و چنین تصریح می‌کند: هر چند در روایت سکونی عنوان سم به کار رفته است، اما بی‌شک سم موضوعیت ندارد، بلکه از نظر ملاک هر گونه سلاح غیر متعارف را شامل است (صدر، ۱۴۲۰: ۲/۳۸۴).

اگر چه در روایت کلمه سم آمده است، قطعاً عنوان سم موضوعیت ندارد، بلکه اشاره به هر گونه سلاحی است که سبب کشتار افراد بی‌گناه در خارج از مناطق جنگی است، اعم از انس آن‌ها، حیوانات و یا آسیب به مزارع و محیط زیست که موجب نسل‌زدایی می‌گردد. (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱/۳۴۴؛ خوئی، ۱۴۱۰: ۳۷۳).

مؤیداتی بر این مسئله می‌توان اقامه کرد؛ نخست اولویت قطعی، چرا که اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد، استفاده از بمب اتم و سلاح شیمیایی که موجب نسل‌زدایی هستند به طریق اولی حرام است. به علاوه در روایت نامی از آب یا زمین یا هوا برده نشده است، بلکه حضرت (ص) به صورت مطلق فرموده است سم پاشیدن در سرزمین مشرکان (دشمن) ممنوع است. پس شامل دیگر ابزارهای مسموم کننده می‌شود. همچنین این گونه احکام جنبه تبعیدی ندارد تا الغای خصوصیت جایز نباشد، بلکه از احکام توصلی است (جبل عاملی، ۱۴۱۴: ۳/۳۸۵؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۲۵/۳). لذا می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و به ابزارهای

کشتار جمعی به عنوان وسیله‌ای برای نسل‌کشی که همانند سم بلکه در حد بیشتری سبب نابودی می‌شود تسری داد. به این بیان که این روایت منحصر در مصداق خاص نیست، آنچه که در این روایت بیان شده است، مصداقی است از اینکه سم که موجب نابودی و از ریشه کن کردن گروه و دسته‌ای به کار برده می‌شود و قربانیان آن نه شخص واحد، بلکه تعداد فراوانی است. از این جهت در مصداق نسل‌زدایی که می‌تواند با ابزارهای سلاح‌های کشتار جمعی صورت پذیرد را در بر می‌گیرد. بنابراین از یک سو با توجه به روایت فوق در مورد ممنوعیت استفاده از سم، از سوی دیگر با الغای خصوصیت از آن، قلمرو شمول حرمت و ممنوعیت آن به نسل‌کشی با تمام ابزارهای جنگی که از نظر اهداف نظامی قابل توجیه نیست تسری دارد.

ج. روایات منع ریختن خون به ناحق

دسته‌ای روایات اشاره دارند که از ریختن خون به ناحق به شدت منع کرده است. امام باقر علیه السلام فرمودند «نخستین چیزی که روز قیامت مورد بررسی قرار می‌گیرد، خون‌های مردم است». (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۲۹) از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «کسی که خون (ناحق) را ریخته، داخل بهشت نخواهند شد» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳/۲۹).

در این دسته از روایات کشتن یک انسان به ناحق موجب عذاب اخروی شدید برای قاتل می‌گردد؛ حال در صورت نسل‌کشی که افراد بی‌گناه و بی‌تقصیر که بدون دلیل کشته می‌شوند به طریق اولی مورد مذمت اسلام قرار گرفته است. لذا عموم و اطلاق این روایات و اصل حرمت خون یک انسان بی‌گناه اقتضا میکند که نسل‌زدایی از نظر اسلام به شدت محکوم است.

ارزیابی مبانی کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی

نظم عمومی را می‌توان به عنوان شالوده و مبنای حقوق بین‌الملل به حساب آورد. برخی از نویسندگان حقوقی که مبنای کل حقوق بین‌الملل را نظم عمومی و برخی دیگر بر ذاتی بودن نظم عمومی اعتقاد داشته و چنین تعبیری کرده‌اند که نظم عمومی، خود حقوق بین‌الملل است. حقوق بین‌الملل تلاش دارد که به وسیله نظم عمومی ارزش‌های مشترک و بنیادین جامعه جهانی را حفظ نماید و اعضای جامعه جهانی در پرتو ارزش‌های مشترک، زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند. لذا با جعل مفهومی به نام بشریت تلاش دارد که چنین دست‌آوردی را محقق نماید. چنین مفهومی

نخستین بار در منشور ملل متحد مطرح گردید و با تصویب کنوانسیون منع کشتار جمعی در سال ۱۹۴۸ استمرار یافت. در رابطه با نظم عمومی به عنوان مبنای حقوق بین‌المللی تعاریف گوناگونی دارد که به نظر می‌رسد که آن را به دسته‌ای از اصول مدون و نامدون در یک نظام حقوقی، بنیادین شمرده شده و نمی‌توان بر تخطی از آن هیچ‌گونه توافقی انجام داد. با این وصف نظم عمومی بیانگر ارزش‌های بنیادین جامعه جهانی است که آن را در دو دسته ارزش‌های ثبوتی و اثباتی می‌توان مطالعه کرد (Dupuy, 1986, P.174).

ارزش‌های ثبوتی^۱ در واقع همان ارزش‌های بنیادینی هستند که در همه زمان‌ها و مکان‌ها بدیهی و روشن بوده و بی‌نیاز از اثبات هستند. چنین ارزش‌هایی شاکله هر جامعه‌ای است که اگر آن‌ها رعایت نشوند، آن جامعه دچار هرج و مرج می‌گردد.

قواعد حقوق بشر و قواعد حقوقی که مربوط به حفظ زندگی و صیانت از تمامیت جسمی و روانی انسان‌ها است، از این ارزش‌ها پیروی می‌کند. حفظ حیات و صیانت از تمامیت جسمی و روحی انسان‌ها چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی از ارزش‌های بنیادین تغییر ناپذیر بین‌المللی است. چنانچه این ارزش‌ها به خطر افتاد با نظم عمومی بین‌المللی تلاقی پیدا می‌کند. ارزش‌های ثبوتی بر اصل آزادی اراده محدودیت وارد می‌کند؛ یعنی دولت‌ها نمی‌توانند حتی در روابط متقابل بر عدم رعایت آن توافق کنند. بنابراین این ارزش‌ها در قالب قواعد حقوقی اعم از قراردادی و عرفی جلوه می‌کنند و هر گونه توافق معارض با آن‌ها باطل است. قاضی شوکینگ در اظهار نظر خود در قضیه اسکارشین بیان داشته است که اثر پذیرش یک قاعده آمره از سوی دولت‌ها، ابطال هر سند معارض با آن است و معتقد است که دیوان هرگز معاهده‌ای را که مغایر با نظم و اخلاق عمومی است را اجرا نمی‌کند (Dupuy, 1986, p.153). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در مورد حق شرط بر معاهده منع نسل‌کشی بیان داشته است که دولت‌های طرف این کنوانسیون نه تنها منافع خود را در آن لحاظ کرده، بلکه منافع جامعه جهانی را مورد توجه قرار داده‌اند و دولت‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (Virally, 1966, p.5).

در مقابل ارزش‌های ثبوتی، ارزش‌های اثباتی مطرح می‌گردد. برخی از ارزش‌های جامعه جهانی در یک شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی خاص به وجود

1. intemporel

می آیند و با تغییر آن‌ها ارزش‌ها نیز تغییر می‌کنند. این ارزش‌ها در قالب قواعد قراردادی جلوه می‌کنند. پیدایش این قواعد بستگی به زمینه هماهنگی، انسجام و اعتماد کافی برای یک توافق میان اعضاء در مورد مفاهیم مشترک است. برای مثال می‌توان از صلح نام برد. تا دهه سی قرن حاضر جنگ در روابط دولت‌ها به عنوان ابزار سیاست ملی دولت‌ها برای حل اختلافاتشان به کار می‌رفت، اما پس از آن که شرایط عینی جامعه بین‌المللی متحول شد زمینه پیدایش قواعد موضوعه برای ممنوعیت جنگ ایجاد شد. صلح، ارزشی است که در اثر تحولات جامعه جهانی و تاثیر آن در وجدان جمعی به وجود آمد. مصادیق دیگری که می‌توان از ارزش‌های اثباتی نام برد جلوگیری از تروریسم، جلوگیری از نسل‌کشی فرهنگی و ... است. اگر چنین ارزش‌هایی همراه با ارزش‌های ثبوتی برقرار شوند، قواعد بنیادین نظم عمومی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد که هر گونه تخطی از آن‌ها ممنوع و در صورتی ضد ارزش محسوب شوند باطل و برای نقض آن مجازات کیفری مطرح می‌شود.

با این وصف کنوانسیون منع نسل‌زدایی از جمله قواعد آمره در حقوق بین‌الملل است که تعهدات دولت‌ها در زمینه منع نسل‌زدایی دارای سه ویژگی اساسی و مهم خواهند بود. اولین ویژگی آن است که ممنوعیت نسل‌زدایی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل شمرده می‌شود (ICJ, 2007-a, para 161, ICJ, 2006, para 64). در نظر مشورتی که در سال ۱۹۵۱ در دیوان برگزار گردید، مبنای منع نسل‌زدایی، ارزش‌های اخلاقی و بشر دوستانه معرفی گردید (ICJ, 1951: 24).

دومین ویژگی را شمولیت چنین تعهدات مطرح شده در کنوانسیون بر شمرده‌اند. در نظر مشورتی دیوان در سال ۱۹۵۱، چنین آمده است که هدف ملل متحد از تصویب کنوانسیون ممنوعیت نسل‌زدایی این است که نسل‌زدایی که مخالف با وجدان انسانی و انکار قوانین اخلاقی است، به عنوان جرمی شنیدار دانسته شده و برای مرتکبین آن کیفر قرار داده شده است. با این وصف اصول و محتوایی که در کنوانسیون آمده است، برای همه دولت‌ها تعهد آور و الزام آور می‌باشد (ICJ, 1951: 23).

آخرین ویژگی که برای کنوانسیون می‌توان بر شمرد این است که تعهدات در نظر گرفته شده در ممنوعیت نسل‌زدایی، تعهداتی فراگیر و مخصوص به گروه یا دسته‌ای خاص نمی‌باشد. دیوان

در سال ۱۹۵۱ به صراحت چنین اعلام داشت که لازمه فراگیر انگاشتن کنوانسیون که در نظر مشورتی ۱۹۵۱، این است که تعهدات کنوانسیون، تعهداتی و حقوقی فراگیر هستند (ICJ, 1996, a, para 31).

با توجه به بیان مبانی حقوق بین‌الملل این نکته حائز اهمیت است که میان مبنای حقوق بین‌الملل با نظام حقوق بین‌الملل در اسلام تفاوت‌ها و اشتراکاتی وجود دارد. در نظام حقوق اسلام و فقه شیعه، قرآن، سنت، عقل و اجماع به عنوان مبنا برای رهیافت مفاهیم حقوقی جرم نسل‌زدایی در نظر گرفته می‌شوند. به جرأت می‌توان گفت که از قدیمی‌ترین اسناد تدوین شده در حقوق بشر مضامین قرآنی و توجه به گفته‌ها، عملکردها و رفتارهای پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. از موارد اشتراکی که در میان دو مبنای نظام حقوقی، این است که اسلام با نزول قرآن سعی دارد که نخستین مرحله تدوین حقوق بشر را با بیان احکام و تاکید بر عام‌الشمول بودن تدوین نماید. به دیگر سخن مبنا قرار دادن ارزش‌های اخلاقی و جهان‌شمول و تاکید بر وجدان انسانی از موارد اشتراکی به حساب می‌آید.

اما این نکته نیز حائز اهمیت است که منابع و مبنای حقوق بشر در دیدگاه اسلام دستورات و اراده خداوند است و در مقابل مبنای چنین حقوقی در حقوق بشر غربی، اندیشه‌ها و افکار اشخاص است. با این وصف میان این دو مکتب فکری در مبنا تفاوت است و مبانی حقوق بین‌الملل که از حقوق بشر غربی سرچشمه گرفته شده است، مبتنی بر اندیشه و ایده‌ها و به تعبیری و در برخی از اوقات آروزهای بشر است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۱۰۸). در حالی که مبنایی که مورد تایید اسلام، بر اساس اینکه اراده خداوند و مبتنی بر وحی و دستورات خداوند در قرآن بوده، مبنایی دقیق‌تر است. چرا که مبنای حقوق بشر بین‌الملل برخاسته از ذات انسان و حقوق طبیعی بوده دولت‌ها سعی بر کشف و به‌دست آوردن آن داشته و در دیدگاه دیگری حقوق بشر بین‌المللی، حقوقی تسلیمی است که دولت‌ها آن را وضع کرده‌اند و ضمانت اجرای آن نیز خود دولت‌ها هستند. در نقطه مقابل این دیدگاه، حقوق بشر اسلامی خاستگاه آن از طرف خداوند است و خداوند آن را به انسان اعطاء کرده است (سلیمی، ۱۳۹۴: ۷۴). در این باره خداوند در قرآن چنین آورده است: «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم» (اسراء: ۷۰) و همچنین در سوره ... چنین می‌فرماید: «و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم» (بقره: ۳۰). بنابراین روشن می‌شود که منابع و

مبنا در حقوق بشر بین‌الملل و با نظام حقوقی بین‌الملل در اسلام گوناگون است هرچند که اشتراکات فراوان و غیر قابل انکاری وجود دارد.

بررسی محورهای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی مصوب ۱۹۴۸

محور نخست: فراگیر نبودن گروه‌های تحت حمایت نسل‌زدایی

کنوانسیون ممنوعیت نسل‌کشی به عنوان سندی بین‌المللی شناخته شده و به دلیل اینکه جزء قواعد آمره است و خصوصیت فراگیری نیز دارد، یکی از اساسی‌ترین اسناد حقوق کیفری بین‌المللی شناخته می‌شود. نگارندگان کمیسیون تعریف نسل‌زدایی و گروه‌های مورد حمایت آن را در ماده ۲ بیان داشته‌اند. تعداد و گروهی بودن قربانیان از ویژگی‌های نسل‌زدایی و کشتار جمعی به حساب می‌آید. با این وصف اگر یک فرد از یک دسته‌ای که مندرج در ماده ۲ مورد حمایت کنوانسیون قرار گرفته است، مورد تجاوز قرار گیرد و در صورتی که هدف ریشه کن کردن و نابود سازی حیات یک دسته باشد، عنوان نسل‌زدایی بر آن صدق خواهد کرد. چرا که در این مورد تهدید و نابودی یک فرد مورد نظر نیست، بلکه هدف و نیت کنشگران نابودی همه گروه و دسته است (اردبیلی، ۱۳۶۸: ۴۷). در ماده ۲ کنوانسیون نیز چنین تصریح می‌کند که «به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی» باشد. با توجه به دقت کنوانسیون در جرم نسل‌کشی و پشتیبانی از گروه‌های مطرح شده، مسئله مورد چالش، شمولیت این ماده نسبت به گروه‌های مورد حمایت می‌باشد. در این ماده چهار گروه ملی، قومی، نژادی و دینی مورد حمایت قرار گرفته‌اند و گروه فرهنگی مورد حمایت قرار نگرفته است.

گروه ملی، دسته‌ای از افراد انسانی است که در یک سرزمین زندگی می‌کنند و از جهت تاریخ، اصالت، آداب و عادات و در بیشتر موارد در زبان اشتراک دارند (لاروس، ۱۳۸۵: ۳۲۷). اگر چه ممکن است این گروه ملیتی دیگری داشته باشند، ولی دارای خاستگاه ملی مشترک می‌باشند. دومین گروه مورد حمایت، گروه قومی است که دسته‌ای است از شاخصه‌های متمایز فرهنگی، زبانی، تاریخی و اجتماعی (پانوف، ۱۳۶۸: ۵۷). گروه دیگر که گروه نژادی است در واقع مجموعه انسان‌هایی که در مؤلفه‌هایی مشترک جسمانی و توارثی مشترک هستند (شبث، ۱۳۸۵: ۱۰۳) این نکته حائز اهمیت است که کنوانسیون، کلمه نژاد را تنها در مفهوم زیست‌شناسی

به کار گرفته است (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۶۹). آخرین گروه نیز افرادی هستند که دارای مناسک و مسلک خاص و آرمانی معنوی که آن‌ها را دارای وحدت عقیده کرده و از سایر مکتب‌های دینی متمایز گردانده است (اردبیلی، ۱۳۸۷/۷۸).

گروه‌هایی که توضیح آن گذشت مورد حمایت کنوانسیون ممنوعیت نسل‌زدایی قرار گرفته و به دیگر سخن قربانیان نسل‌کشی صرفاً باید از این چهار نوع باشند، اما غیر از این گروه‌های چهارگانه، گروه فرهنگی مورد حمایت کمیسیون قرار نگرفته است. همانطور که لمکین نسل‌زدایی را تعریف می‌کند که از نظر ایشان نسل‌زدایی، ریشه کن کردن بنیان‌های یک دسته ملی برای نابودن سازی آن دسته و گروه است (Lemkin, 1947, p.79).. از تعریف ایشان چنین رهیافت می‌شود که هر عملی که حیات دسته‌های ملی و قومی را به خطر اندازد، نسل‌زدایی است. با این وصف ایشان انواع نسل‌زدایی فیزیکی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، اخلاقی و زیستی را از یکدیگر متمایز می‌کند (Kunz, 1940, p.738). دیو دو وابر استاد حقوق بین‌الملل نیز بر این باور است که جرم نسل‌زدایی به سه گونه واقع می‌شود. گونه اول، صدمه زدن به سلامتی، تمامیت جسمی و حیاتی که از آن به «کشتار فیزیکی» یاد می‌کند. دومین مورد «کشتار زیستی» است که نابود کردن مظاهر حیات به وسیله جلوگیری از زاد و ولد که با روش‌های عقیم‌سازی صورت می‌پذیرد. سومین گونه نیز «کشتار فرهنگی» است که مجموعه رفتارهایی است برای جلوگیری از منع صحبت کردن به زبان ملی، محو و از میان برداشتن آثار تاریخی و فرهنگی را در بر می‌گیرد (علی آبادی، ۱۳۶۸: ۹۰/۳). با این بیان روشن می‌شود که نابودی و نسل‌زدایی را نمی‌توان منحصر به کشتار فیزیکی دانست، اگرچه فقط نسل‌زدایی فیزیکی در کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته است، ولی نسل‌زدایی فرهنگی نیز مورد توجه پیش‌نویسان کنوانسیون قرار گرفته بود.

برخی از نمایندگان کشورها (مصر، پاکستان، چین، شوروی، انگلستان، ونزوئلا، لهستان، بلاروس) در حالی که پیش‌نویس کنوانسیون در اجلاس عمومی مجمع سازمان ملل مطرح گردید، به این مسئله اذعان داشته که مورد «نسل‌زدایی فرهنگی» مورد توجه قرار نگرفته است و کنوانسیون فاقد حمایت از آن است (Year book of the U.N, 1948-9, p. 957). نمایندگان ونزوئلا و شوروی سابق در مورد حمایت از «نسل‌زدایی فرهنگی» با ارائه لایحه اصلاحی دادند و نماینده پاکستان نیز دادخواستی مبتنی بر محدود کردن «نسل‌زدایی فرهنگی» به دو مورد «اجبار دینی و

تغییر جمعی» و «نابود کردن مکان‌های مذهبی» مطرح نمودند. نمایندگان و نژوئلا نیز اضافه کردن «نابود سازی برنامه ریزی شده مکان‌های مذهبی، مدارس یا کتابخانه‌ها» را خواستار شد (Year book of the U.N, 1948-9, p. 957).

نماینده آمریکا با قراردادن عنوان «نسل‌زدایی فرهنگی» مخالف نمود که چنین اموری تحت عنوان نسل‌زدایی نمی‌تواند قرار بگیرد. او با اصرار بر این موضع که آنچه که کنوانسیون باید مورد نظر قرار دهد، نابودی فیزیکی است که صرفاً به صورت مستقیم موجب نابودی گروه‌ها می‌شود (Economic and Social Council, Doc, No, E/623, at 11-13, Jan. 30. 1948).

این نکته حائز اهمیت است که تفسیر موسع از کنوانسیون ممنوعیت نسل‌زدایی، در حیطه صلاحیت دیوان‌های کیفری بین‌الملل است که آن‌ها تفسیری فراتر از مواد کنوانسیون نسل‌زدایی نداده‌اند (Verdirame, 2000, p.581). به هر ترتیب تفسیری فراتر از مواد کنوانسیون نسل‌زدایی امکان پذیر نمی‌باشد و این امر می‌طلبد که در این زمینه چاره اندیشه‌ای صورت پذیرد تا هرچه بیشتر دامنه قربانیان نسل‌زدایی در حد گروه‌ها و دسته‌هایی که منحصر در کنوانسیون است قرار نگیرد.

محور دوم: سازو کار محاکمه و مجازات مرتکبین به نسل‌کشی

اساس عدالت کیفری مبتنی بر تنبیه بزهکار است که مستحق جزا و کیفر می‌باشد و ضمانت اجرا و مجازات مرتکبین جرم نسل‌کشی از جمله مواردی است که در سیاست کیفری مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Tomuscha, 2006, pp 838-840). رویکرد مقابله و سازوکارهای مجازات نسل‌کشی متضمن اجرای عدالت بین‌المللی است که به موجب حفظ نظم عمومی بین‌المللی به عنوان مسئولیت بین‌المللی بر عهده دولت‌ها نهاده شده است که با برخورد جرائم بین‌المللی همچون نسل‌کشی، نظم بین‌المللی حفظ گردد (مستقیمی و طارم، ۱۳۷۷: ۲۱).

ماده ۶ کنوانسیون ممنوعیت نسل‌کشی چنین مقرر می‌دارد که دادگاه‌های کشورهای محل واقع شدن جرم نسل‌کشی یا دادگاه کیفری بین‌المللی، صلاحیت رسیدگی به اتهام نسل‌کشی و مجازات آن را دارد. با این وصف سازو کار رسیدگی و محاکمه دارای دو مرجع مطرح گردیده است. نخستین مرجع، محاکم دولتی است که آن کشوری که محل وقوع جرم نسل‌کشی واقع شده است خود را برای محاکمه و رسیدگی به آن اعمال کند. برای نمونه می‌توان کشورهایایی همچون

بوسنی و هرزه‌گوین، کوزو، روآندا و کرواسی نام برد که در راستای محکومیت نسل‌کشی دادگاه‌هایی را برگزار کردند (Bosn and Herz. Serb and Mont., paras. 155-179). این شیوه در عمل کمتر دنبال شده است، چرا که در اکثر موارد، کشورهایی که در آن نسل‌کشی اتفاق می‌افتد، فاقد نظام حقوقی و قضایی مستقل هستند که صلاحیت و توانایی رسیدگی و مجازات مجرمین نسل‌کشی را داشته باشند. برای نمونه پس از ارتکاب نسل‌زدایی و درگیری همه‌گیر داخلی در روآندا در سال ۱۹۴۴، سیستم اداری کشور که نظام قضایی آن نیز هم شامل می‌شد از بین رفت و برگزاری هرگونه محاکمه قضایی در محاکم داخلی از میان رفت (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۳۲).

گونه دوم از محاکمه و رسیدگی به جرم نسل‌زدایی، محاکمه در دادگاه بین‌المللی صالح است که دولت‌های عضو، صلاحیت آن را مورد پذیرش قرار داده باشند. شوربختانه مواجهه جامع بین‌المللی با مسئله نسل‌کشی اینگونه بوده است که در جریان عمل نسل‌کشی ورودی نداشته تا از ابزارهای تعقیب و محاکمه با مداخله خود موجب توقف نسل‌کشی گردد، بلکه هنگامی که نسل‌کشی به اتمام رسیده است، عکس‌العمل نشان داده است.

لازم به ذکر است که در متن پیش‌نویس نخستین کنوانسیون ممنوعیت نسل‌زدایی، اصل صلاحیت محاکمه نسل‌زدایی به دادگاه‌های داخلی همه کشورهای عضو، اعطا شده بود تا بدون در نظر گرفتن محل ارتکاب جرم و تابعیت متهم، به رسیدگی و محاکمه اقدام نمایند. ولی کشورهای‌های زورگو و استعمارگری همچون فرانسه، آمریکا، شوری سابق به مخالفت با آن پرداخته و اصل صلاحیت جهانی در متن نهایی کنوانسیون مندرج نگردید (Akhavan, 1995, p.233).

رویکرد کرامت‌مدار مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به انسان، مبتنی بر توسعه مفهومی و حمایتی در مقابله با نسل‌زدایی

کرامت ذاتی انسان‌ها که کرامتی الهی است که بدون هیچ‌گونه استثنایی همه انسان‌ها به صورت برابر از آن برخوردارند، مانند حق حیات، نعمت عقل و استفاده از نعمت‌هایی که خدای تعالی برای انسان حلال نموده است. بنابراین حیات انسان یک کرامت ذاتی است و به مقتضای

برخی آیات انسان مادامی که عنوان انسان بر او صدق کند، از نوعی حرمت و کرامت انسانی برخوردار است. (حجر/ ۲۹؛ بقره/ ۳۰؛ اسراء/ ۷۰)

از اساسی‌ترین رویکردهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) رویکرد کرامت‌مدار به انسان است. ایشان توجه به اصل کرامت انسانی را ضامن اجرای برقراری صلح، آرامش جهانی قلمداد می‌نمایند: «ما با تکیه بر تعالیم اسلام که کرامت انسانی یکی از سرلوحه‌های آن است و کشتن یک انسان بی‌گناه در آن به مثابه‌ی قتل همه‌ی انسان‌ها به شمار می‌رود». (پیام به همایش بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم، ۱۳۹۰/۴/۳)

ایشان توجه به کرامت انسانی را ریشه در مبانی اسلامی و متبلور در انقلاب اسلامی می‌دانند: «شعار کرامت انسانی همچنان زنده است؛ اینها متعلق به اسلام است؛ اینها متعلق به جمهوری اسلامی است». (بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزده دی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹) اندیشه نظامی و دفاعی امام خامنه‌ای که از دکترین‌های بسیار مهمی در رابطه با نحوه مواجهه نظامیان با مسئله نسل‌زدایی قابل مطالعه و توجه است. ایشان دکترین جمهوری اسلامی را مبتنی بر حفظ کرامت و عزت انسان‌ها پایه‌ریزی می‌فرمایند. چرا که به اعتقاد ایشان در اسلام، حفظ کرامت انسانی یکی از ارزش‌های والا به شمار می‌رود. مقام معظم رهبری در دفاع و حفظ حرمت و کرامت انسانی دکترین دفاعی جمهوری اسلامی را اینگونه تبیین می‌فرمایند: «... نیروهای مسلح ما خود را آماده و مجهز می‌کنند تا دفاع کنند؛ نه تنها دفاع از سرزمین - که خود افتخار بزرگی است - بلکه دفاع از آرم‌های انسانی؛ دفاع از شرف و کرامت انسانیت...». (بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۸۴/۰۹/۳۰).

نسل‌زدایی و استفاده از ابزارهای نسل‌کشی همانند سلاح‌های غیر متعارف و کشنده در فقه اسلامی با عنوان حرمت اعتداء قابل بحث است. در رویکرد کرامت‌مدار مقام معظم رهبری به انسان، اعتداء و تجاوز امری ناپسند و غیر مشروع و ضد بشری تلقی می‌گردد. ایشان در تبیین دکترین نظامی انقلاب اسلامی چنین می‌فرمایند: «ملت ایران اهل اقدام به جنگ و خونریزی و تجاوز و تعدی نیست». (بیانات در مراسم اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (ع)) (۱۳۷۸/۸/۹). همچنین در رابطه با ترور و نسل‌زدایی، ایشان معتقدند که: «تروریسم پدیده‌ای تازه و محصول دوران‌های اخیر نیست، ولی پیدایش سلاح‌های هولناک و آسان شدن کشتارهای جمعی

و فاجعه بار، این پدیده زشت را صدها برابر مهیب‌تر و خطرناک‌تر کرده است.) (بیانات به مناسبت همایش مبارزه جهانی با تروریسم ۱۳۹۰/۴/۴).

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بر اساس رویکرد کرامت‌مدار خویش به انسان، در فتوایی تاریخی در در سی‌ام بهمن ۱۳۸۸ به حرمت به کارگیری سلاح هسته‌ای به عنوان یکی از ابزارهای نسل‌زدایی فتوا دادند و چنین تأکید فرمودند که «ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. بر طبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن این گونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این، ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده؛ ما دنبال این نمی‌رویم.» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران ۱۳۸۸/۱۱/۳۰) معظم‌له در فرازی از پیام‌شان به مناسبت آغاز به کار نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه که به تاریخ ۲۸ فروردین ماه سال ۱۳۸۹ در تهران برگزار شد، کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی را مصداق جنایت جنگی قلمداد کرد. انتشار این فتوا در مجامع علمی و محیط‌های گفتگویی با واکنش‌ها و بازخوردهای متفاوتی روبرو شد.

مقام معظم رهبری کاربرد سلاح هسته‌ای و انواع دیگر سلاح‌های کشتار جمعی همانند سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را حرام اعلام نموده^۱ و چندین بار به حرمت به کارگیری تسلیحات هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان عامل نسل‌زدایی بشر اشاره کرده‌اند به گونه‌ای که شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن از اعلام چندین بار چنین فتوایی ابراز خشنودی کرده است.^۲ پیرو همین فتوا آیه الله مکارم شیرازی هم مسئله سلاح هسته‌ای را حرام دانسته است.^۳

برخی از فقیهان نیز تصریح کردند که این فتوا یک تاکتیک و موضع‌گیری سیاسی خارج از گستره شریعت نمی‌باشد، بلکه از جنبه فقهی دارای لوازمی است؛^۴ و جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در زمان ریاست جمهوری اوباما در مصاحبه خود چنین گفت که تبدیل کردن پیام فتوا به یک درک حقوقی الزام‌آور و یک تعهد جهانی، قابلیت قبول واقع شدن در جامعه بین‌المللی

۱. متن فتوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صادره در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۸۹ مبنی بر حرام بودن سلاح هسته‌ای france.mfa.ir، دریافت‌شده در ۱۴۰۱/۱۰/۸.

۲. نخست‌وزیر ژاپن: از فتوای رهبر ایران درباره حرام بودن سلاح هسته‌ای خوشحالم دانا، دریافت‌شده در ۱۴۰۱/۱۰/۸.

۳. تحریم سلاح کشتار جمعی در تاریخ تشیع ایرنا، دریافت‌شده در ۱۴۰۱/۱۰/۹.

۴. لوازم چهارگانه فتوای رهبر انقلاب درباره حرمت داشتن سلاح هسته‌ای خبرگزاری تسنیم، دریافت‌شده در ۱۴۰۱/۱۰/۱۰.

دارد.^۱ گرت پورتر پژوهشگر و روزنامه‌نگار آمریکایی فتوای رهبر ایران پیرو حرمت سلاح هسته‌ای را یک سند قانونی می‌نامد.^۲ با این وجود که فتوای رهبری در انجام مذاکرات اتمی بسیار موثر بود، باراک اوباما همگام با رفتارهای خصمانه آمریکا در مذاکرات بیان داشت «اگر ایران علاقه‌ای به تولید تسلیحات هسته‌ای ندارد، پس باید یک راه عملی قابل تأیید برای تضمین دادن به جامعه جهانی وجود داشته باشد».^۳

نسل‌زدایی در دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به عنوان مصداقی بارز از نقض حق حیات و کرامت ذاتی انسان شمرده می‌شود که اسلام به رعایت آن و حفظ حرمت آن تأکید فراوان نموده است و آن را فارغ از رنگ، نژاد، قبیله و ... محترم شمرده است، چنانچه معظم له می‌فرماید: «ما با معیار ... کرامت دادن به نوع انسان» سر کار آمده‌ایم؛ ما با معیار تن ندادن به قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی سیطره‌جویان عالم سر کار آمده‌ایم؛ اینها، معیارهای جمهوری اسلامی است...» (بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور ۱۳۸۴/۱۲/۸) و صرفاً در موارد خاصی با تکیه بر ادله و مستندات قوی با حق حیات منشأ فساد و گناه بر روی زمین برخورد می‌شود. حق حیات و کرامت انسانی مسئله‌ای زیربنایی و اصلی است و نسل‌زدایی ناقض حق مسلم کرامت و حیات بشری محسوب می‌شود.

فقهای شیعه نیز به این مسئله پرداخته و بر اساس آیه اعتدا (بقره/۱۹۰) و روایات (عاملی، ۱۴۰۹، ۵۹/۱۵) بیان داشته‌اند که نسل‌کشی و کشتار جمعی و استفاده از ابزارهایی برای رسیدن به این هدف اگر به کار گرفته شود، حرام است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۱/۲۹۲؛ ابن البراج، ۱۴۰۶: ۱/۳۰۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۲: ۱۴/۹۸-۹۹؛ نجفی، ۱۴۲۳: ۴/۱۶۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۶۶/۲۱). مفسران اهل تسنن نیز از عنوان اعتدا در آیه حرمت استفاده از ابزار کشتار دسته‌جمعی را برداشت نموده‌اند. وهبه زحیلی، از متفکران اهل تسنن، در تفسیر المنیر در مقام بیان مصادیق اعتدای حرام می‌نویسد آغاز به جنگ، کشتن افراد مسلم، جنگ با غیر نظامیان، مانند کودکان، زنان، پیران، تخریب خانه‌ها، قطع درختان، به آتش کشیدن زراعتها همانند تعدی به این موارد مورد کراهت و غضب

۱. گفتگوی اختصاصی بخش فارسی با جان کری صدای آمریکا (VOA)، دریافت‌شده در ۱۴۰۱/۱۰/۱۰.

۲. گرت پورتر: فتوای رهبر ایران درباره حرام بودن سلاح هسته‌ای یک سند قانونی است ایسنا، دریافت‌شده در ۱۴۰۱/۱۰/۱۰.

۳. واکنش اوباما به فتوای رهبری علیه سلاح هسته‌ای عصرایران، دریافت‌شده در ۱۴۰۱/۱۰/۹.

خداوند است (زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۷۹/۲). آنچه که در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برجستگی دارد این است که نگه‌داری و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان یکی از ابزار نسل‌کشی نیز در دیدگاه معظم‌له جرم و حرام است: (۱۳۸۹/۱/۲۸).

تطبیق دیدگاه کرامت مدار مقام معظم رهبری مد ظله العالی با محورهای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی ۱۹۴۸

محور نخست: توسعه مفهومی و حمایتی از گروه‌های نسل‌زدایی

در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته) کرامت انسانی امری ذاتی بوده که دارای آثار و نتایجی از جمله حق آزادی، استقلال است و بر این نکته که انقلاب اسلامی ایران به دنبال کرامت بخشی به نوع بشریت و احیای حقوق انسان است، تاکید فراوان داشته‌اند که مقایسه دیدگاه مقام معظم رهبری با کنوانسیون ممنوعیت نسل‌زدایی می‌تواند موجب پاسخ به چالش‌های مورد نظر کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی گردد.

در بیان مصادیق نسل‌زدایی در ماده ۲ کنوانسیون چنین مقرر شده است: «صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه، قراردادن عمدی گروه در معرض زندگانی نامناسبی که منتهی بزوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود، اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل آن گروه صورت گیرد، انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر» این موارد مصادیقی از نسل‌زدایی بوده که موجب نقض حیات انسانی می‌گردد. ذکر موارد نشان می‌دهد که نسل‌زدایی در عرف بین‌الملل نوعی نقض حقوق بشر به حساب می‌آید. ولی آنچه در مبنای مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) با مبانی عرفی بین‌المللی که در کنوانسیون لحاظ شده است، متفاوت است. برای نمونه حفظ حیات و صیانت از تمامیت جسمی و روحی انسان‌ها چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی از ارزش‌های بنیادین تغییر ناپذیر بین‌المللی است. چنانچه این ارزش به خطر افتاد با نظم عمومی بین‌المللی تلاقی پیدا می‌کند (Dupuy, 1986, P.174). ولی در دیدگاه مقام معظم رهبری، ارزش انسان والا و دارای کرامت است و حفظ این ارزش فطری است که علاوه بر حفظ نظام عمومی جامعه تکلیفی انسانی و الهی است.

نخستین محور کنوانسیون که به آن اشاره شد، مبحث شمولیت نسل‌زدایی و حمایت از همه گروه‌های قربانی است. این اختلاف به تعریف مضیق یا موسع از نسل‌کشی بازگشت می‌کند که در این مورد مقایسه کنوانسیون و دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) از نسل‌کشی و حمایت از گروه‌های قربانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوال قابل طرح در این مورد این است که آیا می‌توان از نسل‌کشی تعریفی موسع ارائه داد تا تمامی گروه‌های قربانی از جمله «گروه‌های فرهنگی» شامل آن شود یا خیر؟ تعریف مضیق از نسل‌کشی فقط شامل نابودی و کشتار فیزیکی می‌شود، در صورتی که تعریف موسع از نسل‌کشی، عام‌الشمول بوده و شامل «نسل‌زدایی فرهنگی» نیز می‌گردد (Stone, 2008, p.128). لمیکن که به عنوان اشخاص شاخص و پیشرو در نظریه نسل‌زدایی شناخته می‌شود در کتاب خود با عنوان «حاکمیت دولت‌های محور در اروپای اشغالی» نخستین بار از واژه نسل‌زدایی استفاده کرد، تعریفی موسع از آن ارائه کرد که فقط شامل نسل‌زدایی فیزیکی نمی‌شد، بلکه نسل‌زدای فرهنگی و اعمالی که موجب نابودی طرز زندگی یک گروه شود، را فرا می‌گرفت (Schabas, 2009, p.32). این دیدگاه لمیکن به عنوان ایده‌پرداز نسل‌زدایی در کنوانسیون ممنوعیت نسل‌زدایی اگرچه در متن پیش‌نویس دبیر کل ملل متحد به آن اشاره شده بود، ولی در نهایت با مخالفت کمیته ششم مجمع عمومی مواجه گردید و در مواد کنوانسیون «نسل‌زدایی فرهنگی» لحاظ نگردید (Rater, 2009, p.32).

بر اساس رویکرد کرامت‌مدار مسئله قابل طرح در اندیشه‌های مقام معظم رهبری، حمایت از همه گروه‌های نسل‌زدایی مطرح است. ایشان مبتنی بر آموزه‌های دینی و رویکرد کرامت‌مدار به انسان، تفسیری موسع از نسل‌زدایی ارائه می‌فرمایند که نسل‌زدایی فرهنگی نیز شامل آن می‌گردد. در دیدگاه کرامت‌مدار مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به انسان مفهوم فرهنگ بسیار حیاتی و مهم است و شالوده هر نظامی به آن وابسته است که نابودی و ریشه کن کردن ملتی می‌تواند با نسل‌زدایی فرهنگی اتفاق بیافتد: «فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌ها است ... به‌خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان

در زمینه‌ی فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم». (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱).

در دیدگاه مقام معظم رهبری، فرهنگ اساس یک مملکت به حساب آمده و چنین از سخنان ایشان رهیافت می‌گردد که نسل‌زدایی که برای نابودی یک ملت و گروه صرفاً به صورت فیزیکی محقق نمی‌یابد، بلکه دشمن در جنگ خود از شیوه نسل‌زدایی فرهنگی، استقلال یک ملت را تهدید و موجبات نابودی و ریشه کن کردن کامل آن ملت را موجب می‌گردد. امام خامنه‌ای (دامت برکاته) می‌فرماید: «تخریب ایمان و باورهای کارساز مردم هدف دشمنان است و از آنجا که مردم مؤمن و فداکار عامل پیروزی اسلام و ملت ایران است؛ دشمنان می‌خواهند این عامل را از بین ببرند. از بین رفتن روح ایمان و تمسک به اسلام در ملت ایران درحقیقت باعث سست شدن پایه‌های استقلال ملت می‌گردد» (حدیث ولایت، ۱۳۹۸، ۶/۱۵۴). این سخن گویای این حقیقت است که از ابزارهای نابودی یک ملت، نسل‌زدایی فرهنگی است که با شیوه‌های متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها، تغییر آداب و سنن و نابودی اصول حاکم بر یک جامعه انجام می‌گیرد که هدف اساسی آن ریشه کن کردن ارزش‌های فرهنگی یک ملت است که موجب حفظ استقلال و آزادی آن ملت شده است و عدم حفاظت از آن موجب از بین رفتن عظمت و استقلال یک کشور می‌گردد.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) ترویج ابتدال، آلوده کردن جوانان و فاسد کردن آن‌ها را موجب تهی شدن ملت از مقاومت می‌دانند. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۰/۵/۱۹؛ بیانات در دیدار با جوانان و دانشجویان استان سیستان و بلوچستان ۸۱/۱۲/۰۶) ایشان ابراز می‌دارند که هجوم به بنیان‌های فرهنگی همان نسل‌زدایی و ریشه کن کردن ملت است: «غربی‌ها آنجائی که توانستند، بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند ... در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ - در منطقه‌ی جنوب خراسان، بزرگان و افراد صاحب فکر و پیرمردهایی را دیدم که یادشان بود که انگلیس‌ها چگونه تریاک را با شیوه‌های مخصوصی در بین مردم رائج می‌کردند؛ والا مردم تریاک کشیدن بلد نبودند؛ این چیزها وجود نداشت» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

ایشان در اهمیت توجه به نسل‌زدایی فرهنگی متخصصین نسبت به سایر ملت‌ها چنین بیان داشته‌اند: «وقتی که جوانان یک نسل فاسد شدند، دیگر ملتی وجود ندارد و مقاومتی به چشم

نمی‌خورد. قرآن می‌گوید: «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرؤهم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین»؛ کسانی که با شما سر ستیزه ندارند و علیه شما توطئه نمی‌کنند و کمر به نابودی نسل و ملت شما نبسته‌اند، ولو از دین دیگری باشند، با آن‌ها نیکی کنید و رفتار خوب داشته باشید؛ کافری که با او باید شدید بود، این نیست. «انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم». باید با کسانی شدید بود که با هویت، اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزت، ناموس، سنتها، فرهنگ و ارزش‌های شما مبارزه می‌کنند.» (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶)

بنابراین در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته) که فرهنگ را به مثابه یک سلاح دفاعی و بخشی از هویت یک ملت و یکی از عناصر حیاتی بقاء یک دولت و ملت در برابر استکبار می‌دانند، عنصر فرهنگ را به مانند حیات افراد یک ملت، خط قرمز محسوب نموده و هر گونه تعرض به آن را تعرض و تجاوز به یک ملت می‌شمارند. البته این نکته حائز اهمیت است که اگرچه در متن کنوانسیون از گروه‌های نسل‌زدایی فرهنگی حمایتی به عمل نیامده است، ولی شعبه بدوی دادگاه روآندا به صراحت در مسئله آکایه سوچنین مقرر می‌دارد: «این مسئله حائز اهمیت است که هدف و نیت پیش‌نویسان کنوانسیون ممنوعیت نسل‌زدایی، پشتیبانی و تضمین از همه دسته‌های دائمی و پایدار است» (ICTR, Akayesu Case, 1998: para505). به عبارتی هدف پیش‌نویسان کنوانسیون این بوده است که با توجه به ضرورت و مقتضیات زمانی، همه دسته‌ها و گروه‌های «پایداری» را مورد حمایت خود قرار دهند. اگرچه ذکر این گروه فرهنگی با رأی مخالف کمیته حقوقی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مواجه گردید (S.R. Ratner and J.S. Abrams, 1999: 24).

اگر نگاهی عمیق به این مسئله شود، چنین رهیافت می‌شود که نابودی فرهنگ، جدای از نابودی فیزیکی نیست. برای نمونه انتقال اجباری کودکان را اگر چه به عنوان نابودی فیزیکی مندرج از گروه‌های چهارگانه (ملی، قومی، نژادی و مذهبی) مورد حمایت قرار می‌دهند، ولی این جرم اصالتی فرهنگی دارد و نشأت گرفته از نابودی فرهنگی است که موجب نابودی فیزیکی می‌گردد (شیایزری، ۱۳۸۳: ۱۴۲)

بر اساس آنچه که بیان شد، نسل‌زدایی در دیدگاه امام خامنه‌ای (دامت برکاته) منحصر در نسل‌زدایی فیزیکی نیست، نسل‌زدایی فرهنگی نیز برای ریشه کن کردن یک ملت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که دارای ابعاد گوناگونی است که برای حمایت از نسل‌زدایی فرهنگی باید جامعه بین‌الملل را نسبت به این مسئله مهم آگاهی داد تا در اسناد بین‌المللی مورد حمایت قرار گیرد. در سال ۱۹۸۵، بنیامین وایتاگر که گزارشگر ویژه شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد بود، پیشنهادی را به عنوان شمولیت و جرم‌انگاری «نسل‌زدایی فرهنگی» و «نژاد‌کشی» مطرح نمود (Schabas, 2009, p.32). ولی متأسفانه گزارش و پیشنهاد وی در دستور بررسی شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) قرار نگرفت و فرصتی بسیار مهم در زمینه اصلاح چنین سند مهم از بین رفت (Jones, 2011, p. 63). همچنین در پرونده کرسیتیچ و بلوگویچ در سال ۱۹۹۳ بار دیگر در محاکمات دیوان بین‌المللی یوگوسلاوی سابق، بحث نابودی نهادهای فرهنگی مسلمانان بوسنی و هرزگوین توسط نیروهای صربستان مطرح گردید (Farina Pinto Coelho, 2008, p.102). با این وجود هنوز نسل‌زدایی فرهنگی بر اساس رویه قضایی و اسناد بین‌المللی، به طور خاص موجب تعقیب نمی‌گردد و به رسمیت شناخته نشده است و صرفاً در بخشی از موارد می‌تواند اماره و نشانه‌های قضایی برای تشخیص عنصر معنوی (قصد و انگیزه جرم) شناخته شود (Schabas, 2009, p.215-220). لذا باز هم باید تلاش نمود نسل‌زدایی فرهنگی به عنوان جرمی مستقل در اسناد بین‌المللی مطرح گردد.

محور دوم: مطالبه گری دولت‌ها و مصلحان بشری در تضمین محکومیت مرتکبین نسل‌کشی

یکی از ایرادات مطرح شده به کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، نقصان در فرآیند ضمانت اجرای کیفری و مجازات جانیان نسل‌کشی است. عدم پیشینی مناسب ضمانت اجرا موجب شده است که جرم‌انگاری و جنبه‌های مهم این سند نادیده گرفته و بی‌فایده انگاشته شود. دادگاه‌هایی که نیز برگزار گردید با توجه به ناکارآمدی ساز و کارهایی که بر اساس ماده ۶ کنوانسیون ممنوعیت مجازات نسل‌زدایی با آن مواجه بود، کم‌توفیق بود و ثمر چندانی نداشت. اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و تذکرات و تأکیدات ایشان در مواجهه با قدرت‌های استکبار

که بارها مرتکب نسل‌کشی شده و در هیچ دادگاهی محاکمه نشده است، سخن از این مطلب دارد که در فرآیند مجازات مرتکبین نسل‌کشی کاستی‌های فراوان و غیر قابل اغماضی وجود دارد. غالب ارتکاب جنایت نسل‌کشی از سوی دولت‌های حاکم و قدرتمند علیه گروه‌های اقلیت ضعیف رخ می‌دهد. با این وصف غالباً اقدامات قضایی برای محکومیت مرتکبین نسل‌زدایی یا صورت نمی‌پذیرد یا در مواردی که زیر فشار جامعه بین‌المللی، دولت مجبور به عکس‌العمل و برخورد با جانیان می‌گردد، واکنش قضایی محکم و شدید رخ نمی‌دهد بلکه با محکوم کردن برخی از افراد در رتبه‌های پایین سرانجام می‌یابد. در بسیاری از موارد نیز عدالت در چنین محاکمی رعایت نشده و به طور کل این نحوه رسیدگی به محاکمه نسل‌زدایی را می‌توان صوری تلقی کرد (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

امام خامنه‌ای (دامت برکاته) در بیانات فراوان خود از نقصان در برخوردهای بین‌المللی و عدم مجازات مرتکبین نسل‌کشی و اقدامات دیر به هنگام از نسل‌کشی که در «سربرنیتسا» و در مناطق بوسنی هرزگوین اتفاق افتاده بود، در مورد کاستی‌ها و تحت تعقیب قرار نگرفتن مرتکبین نسل‌کشی چنین می‌فرمایند: «آن روز ایستادند و همین‌طور نگاه کردند تا مسلمانان را قتل‌عام کردند و از بین بردند. هزاران هزار را نابود کردند. ما مرتب فریاد کشیدیم؛ ولی آن‌ها گفتند: نه، اصلاً خبری نیست! من یاد داشتمی را از سال ۷۴ - همان زمان مربوط به «سربرنیتسا» - نگاه می‌کردم. در آن یاد داشت آمده بود که چند نفر از سرکردگان سرشناس سیاسی دنیا گفته بودند: از این حرف‌هایی که گفته می‌شود، خبری نیست! در صورتی که بعد از گذشت چند ماه - حدود دوازده، سیزده یا پانزده ماه - گورهای دسته‌جمعی در سربرنیتسا کشف شد! ما آن روز پی در پی فریاد می‌کردیم؛ آن‌ها می‌گفتند: خبری نیست» (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۵/۹/۲۴).

بر اساس ماده ۶ کنوانسیون^۱ در مکانیزم اجرایی کنوانسیون نقص و کاستی وجود دارد؛ مطابق با این ماده محاکمه مرتکبین در محاکم ملی و بین‌المللی قابل اجرا می‌باشد؛ در حالی که محاکم داخلی و بین‌المللی از صلاحیت لازم برای رسیدگی به این موضوع برخوردار نیستند:

^۱ ماده ۶: اشخاص متهم بارتکاب ژنوسید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سه به دادگاههای صالح کشوری که جرم در آنجا ارتکاب شده و یا به دادگاه کیفری بین‌المللی که طرفهای متعاقد صلاحیت آنرا شناخته باشد جلب خواهند شد.

نخست، اصل بی‌طرفی در این دادگاه‌ها وجود ندارد، چرا که در محاکم داخلی عموماً وقتی دولتی مرتکب جنایت نسل‌زدایی گردد، اقدامی در جهت برخورد و مجازات دولت خود نخواهد داشت و تابع سیاست‌های دولت خود می‌باشند. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این ارتباط چنین می‌فرماید: «رژیم صهیونیست و پشتیبانان جنایتکار آن، در قساوت و سبیت و پایمال کردن همه‌ی موازین انسانی و اخلاقی هیچ حد و مرزی نمی‌شناسند. جنایت، نسل‌کشی، ویران‌گری، کشتار کودکان و زنان و بی‌پناهان، و هر تعدی و ظلمی را که از دستشان برآید برای خود مباح می‌شمرند و به آن افتخار هم می‌کنند. (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همواره در پیام‌های خود به حجاج بیت‌الله الحرام، ۹۳/۷/۸)

در مذاکرات مقدماتی که در مورد تدوین کنوانسیون صورت گرفته بود، نماینده دولت فیلیپین به ناکارآمدی ساز و کار موجود در کنوانسیون اشاره داشته و چنین می‌گوید: «با توجه به چیستی نسل‌زدایی، این جنایت بدون مشارکت یا تسامح دولت به طور نادر اتفاق می‌افتد. لذا واگذاری وظیفه، محاکمه مجرمان به آن دولتی که خود از مرتکبین جرم به حساب می‌آید، امری متناقض است. (Akhavan, 1995, footnote 9). به جرأت می‌توان گفت که محاکمه واقعی مرتکبین جرائم نسل‌کشی توسط دولت‌ها در صورتی انجام گرفته است که حاکمان و مسئولین پیشین در رأس قدرت نبوده و نیروهای مخالف به قدرت رسیده‌اند. در این صورت است که حکومت جدید، دولت پیشین را به اتهام نسل‌زدایی محکوم و مجازات کند و در این موارد نیز به دلیلی پناهندگی و فرار مسئولین و مرتکبان جرم عملاً رسیدگی و محکومیت غیر ممکن بوده است.

دوم آنکه، در محاکم بین‌المللی نیز مثل دادگاه کیفری بین‌المللی اصل بی‌طرفی رعایت نمی‌گردد؛ چرا که عموماً سیاست‌های کشورهای امپریالیست در تصمیمات ایشان دخالت دارد و جنبه تصمیم عادلانه در این موضوع را با چالش مواجه می‌سازد. همچنان که چالش بی‌طرف نبودن در تفسیر عمل نسل‌زدایی و اختلافات مربوط به آن مندرج در ماده ۹ کنوانسیون^۱ به چشم می‌خورد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در آگاهی دادن به این کاستی عدم منع تعقیب

۱. ماده ۹: اختلافات حاصله میان متعاهدین در خصوص تفسیر و تطبیق یا اجرای این قرارداد منجمله اختلافات راجع به مسئولیت یک دولت در مورد عمل ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ به تقاضای یکی از طرفین اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌شود.

بین الملل مرتکبین نسل کشی در مورد اقدام علیه ملت یمن معتقدند که آنچه که در یمن اتفاق می افتد و با سکوت جامعه بین المللی مواجه است در واقع «جنایت، نسل کشی و قابل تعقیب بین المللی» است و ایشان چنین افزودند: «کشتن کودکان، تخریب خانه ها و نابود کردن زیر بناها و ثروت های ملی یک کشور، جنایتی بزرگ است». (دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام با رهبر انقلاب، ۱۳۹۴/۱/۲۰)

از جهات مهمی که در رابطه با محکومیت مجرمین نسل زدایی قابل طرح می باشد این است که به فرض این که اصل بی طرفی در این محاکم رعایت گردد، آیا تعیین مجازات و اجرای آن برای چنین دولت هایی امکان پذیر نیست. برای مقابله با چنین مشکلاتی امام خامنه ای (دامت برکاته) معتقدند که از راهکارهایی که می توان برای محکومیت مرتکبین نسل زدایی به آن متوسل شد، مطالبه گری دولت ها و مصلحان بشری است. ایشان در قضایای نسل کشی رژیم صهیونیستی چنین تصریح می فرمایند: «سه نکته در باب مسئله ی غزه گفتنی است: نکته ی اول این است که آنچه امروز سردمداران رژیم صهیونیست انجام می دهند، یک نسل کشی است؛ یک فاجعه ی عظیم تاریخی است و مجرم و پشتیبانان مجرم باید در سطح جهانی محکوم بشوند و باید مجازات بشوند. مجازات اینها چیزی است که سخنگویان ملت ها و مصلحان عالم و دلسوزان عالم باید مطالبه کنند؛ مرور زمان هم شامل آن نمی شود. (خطبه های نماز عید سعید فطر، ۱۳۹۳/۵/۷) هشدارها و تذکرات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) مبتنی بر ایجاد عزم و مهیا نمودن ساختار جامعه جهانی نسبت به برخورد با مرتکبین با جرم نسل زدایی است. «هنگامی که مردم مسلمان منطقه بالکان، با وحشیانه ترین روش، نسل کشی می شدند و ملتی تنها در برابر تهاجم نظامی سازمان یافته برخی و چشمهای بی تفاوت برخی دیگر، از هویت اسلامی خود دفاع می کرد، جای چنین مرکزی خالی بود تا بتواند بخشی از آلام آن برادران را کم کند و وزنه مهمی در کفه معادلات جهانی به سود آن ملت مظلوم شود! (پیام تشکر در پی حضور پرشکوه مردم در راهپیمایی ۲۸ تیر، ۸۱/۴/۲۹).

بنابراین بر اساس دیدگاه های امام خامنه ای (دامت برکاته)، ضرورت ایجاد ساز و کار مناسب برای برخورد و مقابله با جرم نسل کشی لازم است. با توجه به منویات معظم له از جمله ساز و کارهایی که می تواند در مسئله نسل کشی به عنوان راه چاره در نظر گرفته شود، اعمال صلاحیت

کیفری جهانی می‌باشد. لذا با به کارگیری تدابیر و چاره‌جویی در سطح ملی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی تعقیب و برخورد با مرتکبین نسل‌کشی تضمین گردد.

همگام با دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (دامت برکاته) در اکتبر سال ۲۰۰۹ در مجمع عمومی سازمان ملل، موضوع اصل صلاحیت کیفری جهانی مطرح گردید و در دستور کار این سازمان قرار گرفت. با توجه به نظرات نمایندگان دولت‌ها و حمایت از این اصل مهم به عنوان راهکاری اساسی در خاتمه دادن به بی‌کیفری در جرائم شدید بین‌المللی همانند جرم نسل‌کشی توافق داشته‌اند که این ابزار می‌تواند ضمانت اجرایی برای عدالت کیفری باشد، ولی چگونگی آن، قلمرو و محتوای آن هنوز به طور مشخص، معلوم نگردید. به همین دلیل، مجمع عمومی قطعنامه‌ای را مصوب نمود و در آن چنین بیان نمود که هر یک از دولت‌ها دیدگاه‌ها و ملاحظات خود را در مورد رویه عملی دادگاه‌های آن کشور و قواعد جاری حقوق داخلی خود اظهار نمایند (A/RES/64/117, paras.1-3). بنابراین راه کار اساسی که از برآیند تحلیل گفتمان و دکرترین امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مبارزه با نسل‌زدایی بدست می‌آید این است که مطالبه‌گری دولت‌ها و مصلحان بشری، راهکاری مناسب و قابل اجرا در مقابله با کشورهای استعمارگری است که به عمل شنیع نسل‌زدایی دست می‌زنند.

نظر می‌رسد این اقدامات گامی اساسی برای مقابله با رفع بی‌کیفری جرم نسل‌کشی و مبارزه کارآمد با چنین جرم بزرگی باشد.

نتیجه‌گیری

بر اساس مقایسه مبنا و چالش‌های مطرح در کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی مصوب ۱۹۴۸ با مبانی فقهی و دیدگاه امام خامنه‌ای (دامت برکاته) در مورد نسل‌زدایی چنین به دست آمد: در دیدگاه مقام معظم رهبری مبتنی بر مبانی فقهی و رویکرد کرامت‌مدار به انسان، تفسیری موسع از نسل‌زدایی ارائه گردید که نسل‌زدایی فرهنگی نیز شامل آن می‌گردد. در این دیدگاه مفهوم فرهنگ بسیار حیاتی و مهم بوده و شالوده هر نظامی به آن وابسته است و فرهنگ، اساس یک مملکت به حساب می‌آید. از سخنان معظم له چنین رهیافت می‌شود که نسل‌زدایی برای نابودی یک ملت و گروه صرفاً به صورت فیزیکی تحقق نیافته، بلکه دشمن در جنگ خود از شیوه

نسل‌زدایی فرهنگی، استقلال یک ملت را تهدید و موجبات نابودی کامل آن ملت را موجب می‌گردد. هنوز نسل‌زدایی فرهنگی بر اساس رویه قضایی و اسناد بین‌المللی، به طور خاص موجب تعقیب نمی‌گردد و به رسمیت شناخته نشده است و تنها در بخشی از موارد می‌تواند اماره و نش‌آن‌های قضایی برای تشخیص عنصر معنوی (قصد و انگیزه جرم) شناخته می‌شود، لذا باید تلاش نمود نسل‌زدایی فرهنگی به عنوان جرمی مستقل در اسناد بین‌المللی مطرح گردد.

یکی از ایرادات مطرح شده به کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، نقصان در فرآیند ضمانت اجرای کیفری و مجازات‌جانیان نسل‌کشی است. عدم پیش‌بینی مناسب ضمانت اجرا موجب شده است که جرم‌انگاری و جنبه‌های مهم این سند نادیده گرفته و بی‌فایده انگاشته شود. با توجه به ناکارآمدی ساز و کارهایی که بر اساس ماده ۶ کنوانسیون ممنوعیت مجازات نسل‌زدایی با آن مواجه است، اندیشه‌های مقام معظم رهبری و تذکرات و تأکیدات ایشان در مواجهه با قدرت‌های استکبار که بارها مرتکب نسل‌کشی شده و در هیچ دادگاهی محاکمه نشده است، حاکی از این مطلب می‌باشد که در فرآیند مجازات مرتکبین نسل‌کشی کاستی‌های فراوان و غیر قابل اغمازی وجود دارد. از راهکارهایی که در دکترین و گفتمان نسل‌زدایی امام‌خامنه‌ای (دامت برکاته) مورد تأکید قرار گرفته است که می‌توان در محکومیت مرتکبین نسل‌زدایی به آن متوسل شد، مطالبه‌گری دولت‌ها و مصلحان بشری است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۶۸)، حقوق بین الملل کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، دفتر خدمات حقوق بین‌المللی، شماره یازدهم.
- بهلولی، عزیزه، ابراهیم یاقوتی، و احمدرضا خزائی (۱۴۰۰). «مجازات جرم نسل‌کشی از منظر فقه و نظام بین‌المللی کیفری». فقه و تاریخ تمدن ۶۷، ش. ۱۷: ۴۳-۴۸.
- پانوف، میشل و پرن، (۱۳۶۸)، فرهنگ مردم شناسی، ترجمه دکتر اصغر عسگری خانقاه، نشر ویس.
- جاویدزاده، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «سیاست‌های پیشگیرانه سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال سیزدهم، ش ۳۳، تابستان.
- حلی علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۰)، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰)، محمد بن منصور بن احمد السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، حدیث ولایت (مجموعه ی بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی سال ۱۳۶۸) ناشر انقلاب اسلامی.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، نشر مدینه العلم، قم.
- بانوی اصفهانی (۱۳۷۵)، نصرت امین، مخزن در تفسیر قرآن، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران.
- رحمانی، محمد (۱۳۸۹)، منع استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از نگاه مذاهب، پژوهشنامه طلوع، ش ۳۳.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دار الفکر المعاصر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۴)، درس نامه حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۴ ش.
- شبت، ولیام (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، انتشارات جنگل، ۱۳۸۵.
- شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳)، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰)، ما وراء الفقه، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت- لبنان، ۱۴۲۰ هـ ق

- طباطبایی، سید احمد (۱۳۸۴)، دیوان بین‌المللی کیفری روندا، اندیشه‌های حقوقی، سال سوم، ۱۳۸۴، شماره ۹، ۳۵-۶۶.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۴). ترجمه تفسیر المیزان (مترجم: موسوی همدانی، ابو الحسن). قم: انتشارات دارالعلم. ۱۳۶۳.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان، فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، نشر ناصر خسرو، تهران.
- طوسی ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دار الکتب العربی، بیروت-لبنان، چاپ دوم.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامیة، قم.
- عاملی حر، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، قم.
- جبل عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- عبدالحسین زاده، شراره (۱۳۹۲)، بررسی جرم نسل‌کشی و مجازات آن در حقوق بین‌الملل کیفری، فصلنامه بین‌المللی شهر قانون، سال دوم، شماره ۶.
- عزیزی، ستار (۱۳۸۶)، حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتکبان ژنوسید در رویه قضایی بین‌المللی، فصل نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴، ۱۲۵-۱۶۰.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۶)، حقوق جنایی، تهران، انتشارات فردوسی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). قواعد فقه (عمید زنجانی). تهران ایران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷)، فقه سیاسی، تهران: امیر کبیر.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- قاسمی ورجانی، طیبه (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی حکم نسل‌کشی در فقه امامیه و حقوق موضوعه، پایان نامه، ۱۳۹۷.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۰)، جامعه بین‌المللی و کشتار جمعی، ترجمه محمد علی اردبیلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، ۱۳۷۰ ش.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۸)، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول، تهران.
- لاروس، پیر (۱۳۸۵)، دایره المعارف، ترجمه حمید طبیبان، انتشارات فرهنگ معاصر.

مستقیم، بهرام؛ طارم، مسعود (۱۳۷۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشگاه تهران.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، تهران.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام دار إحياء التراث العربی بیروت- لبنان چاپ: هفتم.

Akhavan, Payam, Enforcement of the Genocide Convention: A Challenge to Civilisation, Harvard Human Rights journal, 1995. n 8, 229-258.

Andreopoulos, George J. "University of Pennsylvania Press, Philadelphia, 1997. ISBN 0-8122-1616-4." International Journal of Refugee Law 10.1/2.(1998).

Dupuy, René-Jean, 1986, Unesco, La communauté internationale entre le mythe et l'histoire, Paris : Economica : Unesco.

Dupuy, René-Jean, La Communauté internationale entre le mythe et l'histoire. Paris : Economica : Unesco, 1986.

Economic and Social Council, Doc, No, E/623, at 11-13, Jan. 30. 1948.

Faria Pinto Coelho, Raquel; 2008, Cultural genocide and the conservative approach of the genocide convention, Teoria e Cultura, Juiz de For a, V.2/N.1 e 2 Jan/Dez, PP, 95-113.

ICJ (1951) Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Advisory Opinion of 28 May 1951, I.C.J.

ICJ (1996-b) Oil Platforms (Islamic Republic Of Iran V. United States Of America), Preliminary Objection, Judgment.

ICJ (2006) Armed Activities On The Territory Of The Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic Of The Congo V. Rwanda), Jurisdiction And Admissibility, Judgment.

ICJ (2007-a) Application Of The Convention On The Prevention And Punishment Of The Crime Of Genocide (Bosnia And Herzegovina V. Serbia And Montenegro), Judgment.

Jones, Adam; 2011, Genocide A Comprehensive Introduction, 2nd Edition, Oxon: Routledge. Journal Law, vol. 41.

Kantonen. Arto, Rwanda Crisis and Genocide in Case Law of Rwanda Tribunal, university of Helsinki Faculty of Law Department Public International Law, April ۲۰۰۶

Kunz, Josef. L, The United Nations Convention on Genocide, Amricam

Lemkin, Raphael (1947). "Genocide As a Crime Under International law, American Journal Law, Vol.41

Magnarlla, Paul J., 2005, "The Background and Causes of the Genocide in Rwanda", Journal of International Criminal Justice, No.3.

Marcus, David, 2003, Famine crimes in international law", in The American Journal of International Law, Vol.97.

Milanovic, Marko, 2008, "ICC Prosecutor charges the President of Sudan with genocide, crimes against humanity and war crimes in Darfur ", ASIL Insights, Vol. 12, Issue 15, available on .http://www.asil.org/insights/2008/07/insights080728.htmlat ,visited at 2009-12-20.

Prosecutor V. Akayesu Jean-Paul, ICTR (Trial Chamber) Judgment of 2 September 1998.

Ratner, Stven R; Jason S. Abrams and James L. Bischoff; 2009, Accountability for Human Rights Atrocities in International Law Oxford University Press, Third Edition.

- Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session, 6 May - 26 July 1996, Official Records of the General Assembly, Fifty-first session, Supplement No.10
- Reservation to convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide ,1951.
- I.C.J 23 (Advisory opinion(
- S.R. Ratner and J.S. Abrams, 2002, Accountability for human rights atrocities in International Law, Oxford University 2- Yearbook of the UN,2001.
- Sarkin, Jeremy & Fowler, Carly, 2008, Reparations for Historical Human Rights Violations: the International and Historical Dimensions of the Alien Torts Claims Act Genocide Case of the Herero of Namibia, Human Rights Review, n. 9.
- Schabas, William (2009). Genocide In International Law The Crime of Crimes second edition , New York: Cambridge University Press.
- Stone, Dan; 2008, The historiography of genocide, London, Palgrave Macmilan.
- Tomuscha, Christian, 2006, The Legacy of Nuremberg, in Journal of Internatioanl Criminal Justice, N. 4,
- Verdirame Guglielmo, the Genocid Definition in the Jurisprudence of the AD HOC Tribunals, International and Comparative Law Quarterly Vol .49 July 2000.
- Virally Michel. Réflexions sur le "jus cogens". In: Annuaire français de droit international, volume 12, 1966. P. 5-29. Year book of the United Nations, 1948-9.
- <https://www.un.org/en/ga/64/resolutions.shtml>. Seen on March 23, 2023

